



متن اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم

متن ذیل اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم می‌باشد که تحت عنوان سند CONF.183/9 در ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۸ منتشر شد. متن رسمی این اساسنامه بعد از فرایند چند مورد تصحیح در ۱۰ نوامبر ۱۹۸۸، ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۸، ۳۰ نوامبر ۱۹۸۸، ۸ مه ۲۰۰۰، ۱۷ ژانویه ۲۰۰۱، سرانجام در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۲ تدوین، و در اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم الاجرا شد.

ترجمه از مرکز اسناد حقوق بشر ایران

آدرس:

Iran Human Rights Documentation Center
129 Church Street, Suite 304
New Haven, CT 06510, USA

تلفن: ۷۷۲-۲۲۱۸ (۲۰۳)

فکس: ۷۷۲-۱۷۸۲ (۲۰۳)

پست الکترونیکی: info@iranhrdc.org

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

اساسنامه دادگاه جنائی بین المللی رم

فهرست موضوعات

.....	فهرست موضوعات	۱
.....	مقدمه	۳
.....	بخش اول. تأسیس دادگاه	۴
.....	ماده ۱ دادگاه	۴
.....	ماده ۲ رابطه دادگاه با سازمان ملل متحد	۴
.....	ماده ۳ مقر دادگاه	۴
.....	ماده ۴ جایگاه حقوقی و اختیارات دادگاه	۴
.....	بخش دوم. صلاحیت قضائی، قابلیت طرح دعوی و قوانین حاکم	۵
.....	ماده ۵ جرائمی که در قلمرو قضایی دادگاه می‌باشند	۵
.....	ماده ۶ نسل کشی	۵
.....	ماده ۷ جنایت علیه بشریت	۵
.....	ماده ۸ جنایات جنگی	۷
.....	ماده ۹ عناصر جرم	۱۱
.....	ماده ۱۰	۱۱
.....	ماده ۱۱ صلاحیت قضائی دادگاه از لحاظ زمانی	۱۱
.....	ماده ۱۲ شروط لازم برای اعمال صلاحیت قضائی	۱۲
.....	ماده ۱۳ اعمال صلاحیت قضائی	۱۲
.....	ماده ۱۴ ارجاع یک مورد به وسیله کشور عضو	۱۳
.....	ماده ۱۵ دادستان	۱۳
.....	ماده ۱۶ تعویق بازجوئی یا دادرسی	۱۴
.....	ماده ۱۷ موضوعات مربوط به قابلیت طرح دعوی	۱۴
.....	ماده ۱۸ آراء مقدماتی در مورد قابلیت طرح دعوی	۱۵

موارد اعتراض به صلاحیت قضایی دادگاه یا قابلیت طرح پرونده	ماده ۱۹
عدم محاکمه مضاعف برای ارتکاب جرم واحد	ماده ۲۰
قوانین حاکم	ماده ۲۱
اصول کلی حقوق جنائی	بخش سوم.
قانون کیفری را نمی‌توان عطف به ما سبق نمود	ماده ۲۲
عدم مجازات بدون وجود قانون	ماده ۲۳
عدم معطوف کردن قانون به ما سبق	ماده ۲۴
مسئولیت کیفری فردی	ماده ۲۵
عدم صلاحیت قضائی دادگاه نسبت به افراد کمتر از هجده سال	ماده ۲۶
بی اهمیت بودن تصدی مقام رسمی	ماده ۲۷
مسئولیت فرماندهان و دیگر مقامات ارشد	ماده ۲۸
عدم شمول قاعده مرور زمان	ماده ۲۹
عناصر فکری	ماده ۳۰
دلایل عدم شمول مسئولیت کیفری	ماده ۳۱
اشتباه در درک واقعیت یا اشتباه در قانون	ماده ۳۲
فرمان‌های مقام ارشد و توصیه قانون	ماده ۳۳

مقدمه

کشورهای عضو این معاهده،

با آگاهی از علائق مشترکی که آنها را با یکدیگر متحد ساخته و فرهنگ‌های آنان را با میراث مشترک به هم پیوند زده، و با نگرانی از فروپاشی هر لحظه این ساختار ظریف و حساس،

با توجه به قربانی شدن میلیون‌ها کودک، زن و مرد در قرن حاضر در اثر فجایع غیر قابل تصویری که وجدان بشری را شدیداً به لرزه درآورده،

با شناخت از به مخاطره افتادن صلح، امنیت و رفاه جهانیان به دلیل وقوع اینچنین جنایات ناگوار،

با تأیید بر مجازات شدیدترین جنایاتی که مایه نگرانی عموم جامعه جهانی است، و تضمین محاکمه کیفری مؤثر آن جنایات از طریق انجام اقداماتی در سطح ملی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی،

با عزمی راسخ برای پایان دادن به مصونیت مرتکبین اینگونه جنایات، و در نتیجه مشارکت در پیشگیری از وقوع این چنین مظالم،

با یادآوری این اصل که هردولتی وظیفه دارد تا صلاحیت قضائی کیفری خود بر افرادی که مسئول جنایات بین‌المللی هستند را اعمال نماید،

با تأیید مجدد بر مقاصد و اصول منشور سازمان ملل متحد، و علی‌الخصوص خودداری کلیه کشورها از تهدید یا به کارگیری زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورهای دیگر به هر طریقی که مغایر با مقاصد سازمان ملل متحد باشد،

با تأکید بر اینکه هیچ بخشی از این معاهده نباید به گونه‌ای تعبیر گردد که به کشورهای عضو اجازه مداخله در منازعات مسلحانه و یا در امور داخلی کشور دیگری را بدهد،

با تصمیمی قاطع برای نیل به این اهداف برای نسل‌های حاضر و آینده، مصمم به تأسیس یک دادگاه جنائی مستقل دائمی بین‌المللی در ارتباط با دستگاه سازمان ملل متحد، که دارای صلاحیت قضائی بر روی شدیدترین جنایاتی که مایه نگرانی عمومی جامعه بین‌المللی است،

با تأکید بر این که دادگاه جنائی بین‌المللی تشکیل شده بر اساس این قانون، مکمل صلاحیت قضائی کیفری ملی خواهد بود،

با اراده‌ای قاطع برای تضمین احترام پایدار و تنفیذ عدالت بین‌المللی،

نسبت به موارد ذیل توافق نموده‌اند؛

بخش اول. تأسیس دادگاه

ماده ۱

دادگاه

بدین وسیله، یک دادگاه جنائی بین‌المللی (که از این پس «دادگاه» نامیده خواهد شد) تأسیس می‌گردد. این نهاد، یک سازمان دائمی خواهد بود و صلاحیت خواهد داشت که حوزه قضائی خود را بر افرادی که مرتکب جدی‌ترین جنایاتی که جهان را تهدید می‌نماید، به شرحی که در این اساسنامه درج گردیده است، و مکمل صلاحیت قضائی جنائی ملی خواهد بود اعمال نماید. صلاحیت و وظائف این دادگاه بر اساس مقررات این اساسنامه تنظیم خواهد شد.

ماده ۲

رابطه دادگاه با سازمان ملل متحد

رابطه این دادگاه با سازمان ملل متحد از طریق توافقی که باید به تصویب مجمع کشورهای عضو این پیمان برسد و سپس به نیابت از این دادگاه توسط رئیس آن امضاء گردد، تأمین خواهد شد.

ماده ۳

مقر دادگاه

- ۱) مقر دادگاه در شهر لاهه در کشور هلند (که از این پس «کشور میزبان» نامیده خواهد شد) قرار خواهد داشت.
- ۲) دادگاه در باره محل دفتر مرکزی خود با کشور میزبان به توافق خواهد رسید. این توافق توسط مجمع کشورهای عضو تصویب می‌گردد و بعد از امضاء ریاست دادگاه به نمایندگی از این دادگاه مورد تأیید نهائی قرار خواهد گرفت.
- ۳) هرگاه دادگاه لازم بداند، می‌تواند مقر خود را به شرحی که در این اساسنامه درج گردیده است، به محل دیگری منتقل نماید.

ماده ۴

جایگاه حقوقی و اختیارات دادگاه

- ۱) دادگاه دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی خواهد بود. همچنین برای ایفای وظائف و تحقق اهدافش از قابلیت قضائی لازم برخوردار خواهد بود.
- ۲) دادگاه می‌تواند اختیارات و وظائف خود را به شرحی که در این اساسنامه درج گردیده، در قلمرو هر یک از کشورهای عضو و نیز با کسب موافقت مخصوص، در قلمرو هر کشور دیگری، به اجرا بگذارد.

بخش دوم. صلاحیت قضائی، قابلیت طرح دعوی و قوانین حاکم

ماده ۵

جرائمی که در قلمرو قضائی دادگاه می‌باشند

- (۱) صلاحیت قضائی دادگاه محدود به جدی‌ترین جنایاتی که مایه نگرانی عموم جامعه بین‌المللی است می‌باشد. دادگاه بر طبق این اساسنامه در مورد جرائم ذیل صلاحیت قضائی خواهد داشت:
- ای) جنایت نسل‌کشی
 - بی) جنایت علیه بشریت
 - ج) جنایات جنگی
 - دی) جنایت تجاوز
- (۲) دادگاه بر جنایت تجاوز در صورتی صلاحیت قضایی خواهد داشت که این جنایت بر طبق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ تعریف و شرایطی که بر حسب آن این دادگاه صلاحیت قضائی خود را اعمال می‌نماید، تثبیت گردد. مقررات مذکور باید منطبق با قواعد زیربط در منشور سازمان ملل متحد باشد.

ماده ۶

نسل‌کشی

- برای مقاصد به کار رفته در این اساسنامه، «نسل‌کشی» عبارت است از ارتکاب هر یک از اعمال ذیل به قصد نابود ساختن کل و یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، مانند:
- الف) کشتن اعضاء آن گروه؛
 - ب) وارد آوردن صدمه شدید جسمی یا روانی به اعضاء آن گروه؛
 - ج) با یک حرکت حساب شده، عمداً ایجاد شرایط دشوار زندگی برای یک گروه به قصد نابود ساختن کل و یا بخشی از آنان؛
 - د) تحمیل اقداماتی به قصد پیشگیری از زاد و ولد در میان آن گروه؛
 - هـ) انتقال اجباری کودکان آن گروه به گروهی دیگر.

ماده ۷

جنایت علیه بشریت

- (۱) برای مقاصد به کار رفته در این اساسنامه، «جنایت علیه بشریت» عبارت است از انجام هر یک از اعمال ذیل به عنوان بخشی از یک حمله علیه یک گروه غیرنظامی که به شکل گسترده یا سازمان یافته صورت بگیرد، با اطلاع از حمله؛
- الف) قتل؛

- ب) نابودسازی؛
- ج) برده سازی؛
- د) اخراج و یا انتقال اجباری جمعیت؛
- ه) محبوس ساختن یا دیگر آشکال محرومیت شدید از آزادی جسمی که نقض کننده مبادی اساسی حقوق بین‌الملل باشد؛
- و) شکنجه؛
- ز) تجاوز جنسی، برده کشی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری، و یا هر نوع خشونت جنسی دیگر در همان سطح؛
- ح) آزار و تعقیب یک گروه یا جمعیت مشخص، به دلایل دیگری در سطح جهان بر اساس قوانین بین‌المللی در جنسی، به شرحی که در بند ۳ مشخص گردیده، یا به دلایل دیگری در سطح جهان بر اساس قوانین بین‌المللی در ارتباط با هر یک از اعمالی که در این بند یا هر جرم دیگری که در حیطه صلاحیت این دادگاه باشد به عنوان یک عمل غیرمجاز به رسمیت شناخته شده باشد؛
- ط) ناپدید شدن اجباری افراد؛
- ی) جنایت نژاد پرستی؛
- ک) دیگر اعمال غیر انسانی با خصوصیتی مشابه که به قصد وارد آوردن عمدی درد و رنج شدید یا آسیب رساندن جدی به بدن، یا سلامت جسمی یا روانی افراد، صورت گیرد.

۲) برای مقاصد به کار رفته در بند ۱:

- الف) «حمله علیه یک گروه غیر نظامی»، مجموعه‌ای از اعمالی است که به دنبال و یا در ادامه سیاست یک دولت یا سازمان برای انجام چنین حمله‌ای صورت می‌گیرد و شامل ارتکاب مکرر اعمالی علیه جمعیت غیرنظامی می‌شود که در بند ۱ به آن اشاره گردید؛
- ب) «نابودسازی» شامل تحمیل عمدی اوضاع و احوال زندگی از جمله محرومیت از دسترسی به غذا و دارو می‌باشد که به شکل حساب شده و به قصد نابود سازی بخشی از جمعیت بشری صورت گیرد؛
- ج) «برده سازی» یعنی اعمال هر یک و یا کلیه اختیاراتی که مربوط به حق تصاحب یک فرد می‌باشد و شامل به کار گرفتن چنین اختیاراتی در طی قاچاق افراد، به ویژه زنان و کودکان می‌شود.
- د) «اخراج از کشور یا انتقال اجباری گروهی از مردم» یعنی جا به جا کردن اجباری افراد مورد بحث، از طریق اخراج یا اعمال مستبدانه دیگر، از ناحیه‌ای که قانوناً در آن حضور دارند، بدون هیچ‌گونه دلیلی که در حقوق بین‌الملل مجاز شمرده شود.
- ه) «شکنجه» یعنی وارد آوردن عامدانه درد یا رنج شدید، چه جسمی و چه روانی، بر روی فردی که در حبس به سر می‌برد یا تحت کنترل شخص متهم قرار دارد؛ با این تفاوت که شکنجه شامل درد یا رنجی نمی‌شود که صرفاً ناشی از مجازات‌های قانونی گردد، یا به صورت ذاتی یا تبعی در نتیجه این مجازات‌ها حاصل شود.

و) «حاملگی اجباری» یعنی محبوس نمودن غیر قانونی زنی که با اجبار حامله شده، به قصد تأثیر گذاشتن در ترکیب قومی گروهی از مردم که توأم با موارد شدید نقض حقوق بین‌الملل باشد. این تعریف نباید به هیچوجه به گونه‌ای تفسیر گردد که بر قوانین ملی مربوط به حاملگی تأثیر گذارد؛

ز) «آزار و تعقیب» یعنی محروم ساختن عمدی و شدید یک گروه یا جمعیت از حقوق اساسی آنان برخلاف موازین حقوق بین‌المللی، به دلیل هویت گروهی یا جمعی ایشان؛

ح) «جنایت نژاد پرستی» یعنی اعمال غیر انسانی با خصوصیات مشابه با موارد مذکور در بند ۱ که در چارچوب یک رژیم نهادینه شده سرکوبگر و سلطه‌جو توسط یک گروه نژادی بر یک و یا چندین گروه نژادی دیگر به قصد ابقای آن رژیم صورت بگیرد.

ط) «ناپدید شدن اجباری افراد» یعنی دستگیری، بازداشت یا ربودن افراد، توسط یا با اجازه، حمایت یا موافقت یک دولت یا سازمان سیاسی و متعاقب آن، عدم اعتراف به محرومیت آنان از آزادی و امتناع از دادن اطلاعات راجع به سرنوشت و یا محل نگهداری آنان با قصد محروم ساختن آنها از حمایت‌های قانونی برای مدت زمان طولانی می‌باشد.

۳) برای مقاصد به کار رفته در این اساسنامه، واژه «جنسیت» به مفهوم اشاره به دو جنس مذکر و مؤنث با معنایی که در جامعه به کار می‌رود می‌باشد. واژه «جنسیت» بر هیچ‌گونه معنای متفاوت با آنچه در فوق ذکر شد، دلالت ندارد.

ماده ۸

جنایات جنگی

- ۱) دادگاه در ارتباط با جنایات جنگی، به ویژه اگر این جنایات به عنوان بخشی از یک برنامه یا خطمشی یا به عنوان بخشی از ارتکاب اینگونه جنایات در مقیاسی وسیع صورت بگیرد، صلاحیت قضائی خواهد داشت.
- ۲) برای مقاصد به کار رفته در این اساسنامه، «جنایات جنگی» به معنی موارد ذیل خواهد بود:
 - الف) موارد جدی نقض کنوانسیون ژنو، مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ (برابر با ۲۱ مرداد ۱۳۲۸)، یعنی هر یک از اعمال ذیل که علیه اشخاص یا اموال تحت حمایت مقررات مربوطه در کنوانسیون ژنو صورت گیرد:
 - ۱- قتل عمد؛
 - ۲- شکنجه یا رفتار غیر انسانی، از جمله آزمایش‌های بیولوژیکی؛
 - ۳- وارد آوردن رنج شدید یا آسیب جدی به بدن یا سلامت افراد؛
 - ۴- تخریب و تصرف اموال در سطح گسترده، که به صورت غیر قانونی و مغرضانه انجام گیرد و نتوان آن را به دلیل ضرورت نظامی توجیه نمود؛
 - ۵- مجبور ساختن زندانیان جنگی یا دیگر افراد محافظت‌شده به خدمت در نیروهای یک قدرت متخاصم؛
 - ۶- محروم ساختن عمدی زندانی جنگی یا دیگر افراد محافظت‌شده، از حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه و قانونی؛

۷- اخراج یا انتقال غیر قانونی یا حبس غیر قانونی؛

۸- گروگان گیری.

ب) نقض موارد دیگر قوانین حقوقی و عرفی که در منازعات مسلحانه بین‌المللی قابل اعمال هستند و در چارچوب حقوق بین‌الملل تثبیت شده اند، مانند:

۱- حملات عمدی بر ضد غیرنظامیان با قصد حمله علیه آنان، یا افراد غیر نظامی که مستقیماً در این مخاصمات شرکت ندارند؛

۲- حملات عمدی به سوی اهداف غیر نظامی، یعنی اهدافی که دارای کاربرد نظامی نیستند؛

۳- حملات عمدی علیه کارکنان، تأسیسات، ابزار، واحدها، یا خودروهایی که در خدمات بشردوستانه یا هیئت های پاسدار صلح مطابق با منشور سازمان ملل متحد مشغول هستند و تا هر زمانی که آنها براساس قوانین بین‌المللی منازعات مسلحانه تحت پوشش محافظت های متعلق به اشخاص یا اهداف غیر نظامی قرار بگیرد؛

۴- آغاز عمدی حمله با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات یا صدمات به افراد غیر نظامی یا تخریب اهداف غیر نظامی یا خسارات شدید، گسترده و دراز مدت به محیط زیست می‌شود که در مقایسه با مجموع منافع نظامی مستقیم و قطعی پیش بینی شده، مسلماً زیاده از حد باشد.

۵- هر گونه بمباران یا حمله به شهرها، روستاها، نقاط مسکونی یا ساختمان‌هایی که تحت حمایت نظامی قرار ندارند و اهداف نظامی محسوب نمی‌گردند؛

۶- کشتن یا مجروح کردن یک فرد نظامی که دست از جنگ کشیده است یا دیگر طریقه‌ای برای دفاع از خود ندارد و به میل خود تسلیم شده است؛

۷- استفاده نامناسب از پرچم آتش بس، از پرچم یا نشانه و یونیفورم ارتشی طرف متخاصم یا سازمان ملل متحد، و نیز آرم‌های مشخص کنوانسیون‌های ژنو که سبب تلفات یا صدمات شدید افراد شود؛

۸- انتقال مستقیم یا غیر مستقیم بخشی از شهروندان غیرنظامی قدرت اشغالگر توسط این نیروها به داخل محدوده تحت اشغال، یا انتقال تمام یا بخش‌هایی از جمعیت منطقه اشغال شده به قسمت دیگری از این محدوده و یا اخراج این افراد به خارج از محدوده مذکور؛

۹- حملات عمدی به ساختمان‌های مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه، بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌هایی که افراد بیمار و مجروح را در آن جمع‌آوری می‌کنند، مشروط بر آنکه این نقاط اهداف نظامی نباشند؛

۱۰- قطع اعضاء بدن افرادی که تحت سیطره نیروی متخاصم قرار دارند یا انجام هر گونه آزمایش‌های پزشکی یا علمی بر روی آنها که از جهت پزشکی، دندانپزشکی یا درمان بیمارستانی فرد مورد نظر قابل توجیه نباشد و یا انجام آن منفعتی برای وی در بر نداشته باشد و سبب تلفات جانی یا به مخاطره انداختن سلامت فرد یا افراد مزبور گردد؛

۱۱- کشتن یا زخمی کردن خائنانه افراد متعلق به ملت یا ارتش طرف متخاصم؛

۱۲- اعلام اینکه هیچ‌کسی درامان نخواهد بود؛

۱۳- انهدام یا توقیف اموال طرف متخاصم، مگر آنکه ضرورت‌های جنگی لزوم اجرای آن را جداً ایجاب نماید؛

۱۴- اعلام الغاء، تعلیق، یا عدم اعتبار حقوق و اقدامات حقوقی اتباع طرف متخاصم در دادگاه؛

۱۵- وادار نمودن اتباع کشور متخاصم به شرکت در عملیات جنگی بر علیه کشور خودشان، حتی اگر آنان پیش از شروع جنگ در خدمت کشور متخاصم بوده باشند؛

۱۶- چپاول یک شهر یا مکان، حتی اگر آن محل به وسیله حمله به اشغال درآمده باشد؛

۱۷- به کار گرفتن سلاح‌های مسموم کننده یا سمی؛

۱۸- به کار گرفتن گازهای مهلک، سمی، یا گازهای دیگر و تمامی مایعات، مواد یا ابزار مشابه؛

۱۹- استفاده از گلوله‌هایی که به راحتی در بدن انسان منبسط یا مسطح می‌شوند، مانند گلوله‌های دارای پوشش سخت که به طور کامل قسمت مرکزی گلوله را نمی‌پوشاند یا با ایجاد برش شکافته می‌شود؛

۲۰- به کار گیری سلاح‌ها، پرتابه‌ها، و مواد و روش‌های رزمی که طبیعتاً سبب ایجاد جراحات اضافی یا درد غیر ضروری شود یا ذاتاً غیر قابل کنترل بوده و ناقض قوانین بین‌المللی منازعات مسلحانه باشند، مشروط بر آنکه استفاده از چنین سلاح‌ها، پرتابه‌ها و مواد و روش‌های رزمی به کلی ممنوع بوده و از طریق اصلاحیه‌ای بر طبق مقررات موضوعه در مواد ۱۲۱ و ۱۲۳، در پیوست این معاهده قید شده باشند؛

۲۱- ارتکاب اهانت شدید نسبت به شأن و حرمت افراد، خصوصاً رفتارهای تحقیرآمیز و موهن؛

۲۲- ارتکاب تجاوز جنسی، برده سازی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، به شرحی که در ماده ۷، بند ۲ (و) شرح داده شد، عقیم سازی اجباری یا هر نوع دیگر خشونت جنسی که کنوانسیون‌های ژنو را شدیداً نقض نماید؛

۲۳- بهره گرفتن از حضور افراد غیر نظامی یا دیگر افراد محافظت شده، برای مصون ساختن نقاط، مناطق یا نیروهای ارتشی خاص، در مقابل عملیات نظامی؛

۲۴- حملات عمدی به ساختمان‌ها، وسائل، واحدها و خودروهای پزشکی، و کارکنانی که از آرم‌های مشخص کنوانسیون‌های ژنو مطابق با حقوق بین‌الملل استفاده می‌کنند؛

۲۵- تحمیل گرسنگی اجباری بر غیر نظامیان به عنوان یک حربه نظامی، از طریق محروم ساختن این افراد از لوازم حیاتی که برای بقای آنها ضروری است، از قبیل ایجاد عمدی موانع در ارسال محموله‌های حیاتی که در کنوانسیون‌های ژنو ضروری نامیده شده‌اند؛

۲۶- سربازگیری و فراخواندن نوجوانان زیر پانزده سال به خدمت در گروها یا نیروهای مسلح یا استفاده از آنها برای شرکت فعالانه در مخاصمات.

ج) در صورت بروز مخاصمات مسلحانه‌ای که جنبه بین‌المللی ندارد، موارد جدی نقض ماده ۳ مشترک میان چهار کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ (برابر با ۲۱ مرداد ۱۳۲۸) ژنو، یعنی ارتکاب هر یک از اعمال ذیل علیه اشخاصی که فعالانه در مخاصمات شرکت ندارند، از قبیل اعضاء نیروهای مسلح که دست از جنگ کشیده‌اند و افرادی که به علت بیماری، زخمی شدن، یا دستگیری، و دلایل دیگر از جنگ معذور محسوب می‌شوند:

۱- خشونت نسبت به شخص و زندگی وی، خصوصاً هر نوع قتل، قطع عضو، رفتارهای ظالمانه و شکنجه؛

- ۲- اهانت شدید نسبت به شأن و حرمت افراد، به ویژه رفتارهای تحقیرآمیز و موهن؛
- ۳- گروگان گیری؛
- ۴- صدور احکام مجازات و اجرای اعدام بدون آنکه این احکام قبلاً توسط یک دادگاه معتبر قانونی تأیید گردیده باشد و آن دادگاه متضمن کلیه ضمانت‌های قضائی باشد که عموماً ضروری محسوب می‌شوند؛
- د) بند ۲(ج) شامل مخاصمات مسلحانه‌ای می‌شود که جنبه بین‌المللی ندارند و بنابراین در مورد اغتشاشات و تنش‌های داخلی مانند شورش‌ها، عملیات خشونت آمیز استثنائی و پراکنده یا اعمال دیگری از این قبیل، صدق نمی‌کند.
- ه) دیگر موارد جدی نقض قوانین و رسوم متداول قابل اجرا در منازعات مسلحانه که جنبه بین‌المللی ندارند، در چارچوب حقوق بین‌الملل پذیرفته شده اند، مانند:
- ۱- حملات عمدی صرفاً به سوی جمعیت غیر نظامی یا افراد غیر نظامی که مستقیماً در مخاصمات شرکت ندارند؛
- ۲- حملات عمدی به سوی ساختمان‌ها، وسائل، واحدها و خودروهای پزشکی، و کارکنانی که از آرم‌های مشخص کنوانسیون‌های ژنو مطابق با حقوق بین‌الملل استفاده می‌کنند؛
- ۳- حملات عمدی به سوی کارکنان، تأسیسات، ابزار، واحدها یا خودروهای مربوط به کمک‌رسانی‌های بشردوستانه یا هیئت‌های پاسدار صلح مطابق با منشور سازمان ملل متحد، مادامی که آنها از محافظت‌های متعلق به افراد یا اهداف غیر نظامی بر طبق قوانین بین‌المللی در منازعات مسلحانه برخوردار باشند؛
- ۴- حملات عمدی به ساختمان‌هایی که به اهداف مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص داده شده‌اند، بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌هایی که افراد بیمار و مجروح در آن جمع‌آوری می‌شوند، مشروط بر آنکه این نقاط هدف‌های نظامی نباشند؛
- ۵- چپاول یک شهر یا مکان، حتی اگر آن محل به وسیله حمله، به اشغال درآمده باشد؛
- ۶- ارتکاب تجاوز جنسی، برده‌سازی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، به شرحی که در ماده ۷، بند ۲(و) شرح داده شد، عقیم‌سازی اجباری یا هر نوع دیگر خشونت جنسی که نقض جدی ماده ۳ مشترک میان چهار کنوانسیون ژنو محسوب شود؛
- ۷- - سربازگیری و فراخواندن نوجوانان زیر پانزده سال به خدمت در گروه‌ها یا نیروهای مسلح یا استفاده از آنها برای شرکت فعالانه در مخاصمات؛
- ۸- صدور فرمان جا به جا نمودن غیر نظامیان به دلایلی که مربوط به مخاصمه باشد، مگر آنکه ایمنی غیر نظامیان مزبور یا دلایل اجتناب‌ناپذیر نظامی اینگونه ایجاب نماید؛
- ۹- کشتن یا زخمی کردن خائنه جنگجویان نیروی متخاصم؛
- ۱۰- اعلام اینکه هیچ‌کسی درمان نخواهد بود؛
- ۱۱- قطع اعضاء بدن افرادی که تحت سیطره نیروی متخاصم قرار دارد یا انجام هر گونه آزمایش‌های پزشکی یا علمی بر روی آنها که از جهت پزشکی، دندانپزشکی یا درمان بیمارستانی فرد مورد نظر قابل توجیه نباشد و انجام آن منفعتی برای وی در بر نداشته باشد و سبب تلفات جانی یا به مخاطره انداختن سلامت فرد یا افراد مزبور گردد؛

۱۲- انهدام یا توقیف اموال طرف متخاصم، مگر آنکه ضرورت‌های جنگی لزوم اجرای چنین تخریب یا توقیفی را ایجاب نماید؛

(و) بند ۲(هـ) در مورد مخاصمات مسلحانه‌ای که جنبه بین‌المللی ندارند قابل تطبیق است و بنابراین در مورد اغتشاشات و تنش‌های داخلی مانند شورش‌ها، عملیات خشونت آمیز استثنائی و پراکنده یا اعمال دیگری از این قبیل، صدق پیدا نمی‌کند. این بند بر منازعات مسلحانه‌ای که در قلمرو یک دولت اتفاق می‌افتد و در آن، مخاصمات مسلحانه میان مقامات دولتی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا میان چنین گروه‌هایی برای مدتی طولانی در جریان باشد قابل تطبیق است.

۳) هیچ یک از مطالب مندرج در بندهای ۲(ج) و (هـ) نباید بر مسئولیت یک دولت برای تامین و برقراری مجدد نظم و قانون در کشور یا دفاع از وحدت و تمامیت ارضی آن کشور با توسل به تمامی شیوه‌های مشروع تأثیر بگذارد.

ماده ۹

عناصر جرم

- ۱) عناصر جرم باید دادگاه را در تفسیر و تطبیق ماده‌های ۶، ۷ و ۸ یاری دهد. این عناصر باید با کسب اکثریت دو سوم اعضاء مجمع کشورهای عضو، تصویب گردد.
- ۲) اصلاحیه‌های عناصر جرم می‌تواند توسط هر یک از مراجع ذیل پیشنهاد گردد:
 - الف) هر یک از کشورهای عضو؛
 - ب) قضاتی که حکم نهائی را با کسب اکثریت قاطع آراء صادر می‌کنند؛
 - ج) دادستان.
- ۳) عناصر جرم و اصلاحیه‌های مربوط به آنها باید مطابق با این اساسنامه باشد.

ماده ۱۰

مطالب این بخش نباید طوری تفسیر گردد که مقررات موجود یا مقررات آینده حقوق بین‌الملل را برای مقاصدی به جز آنچه مورد نظر این اساسنامه است محدود یا تضييع نماید.

ماده ۱۱

صلاحیت قضائی دادگاه از لحاظ زمانی

- ۱) دادگاه فقط در مورد جرائمی صلاحیت رسیدگی دارد که پس از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه صورت بگیرد.

۲) اگر کشوری بعد از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه به آن پیوندد، دادگاه تنها در مورد جرائمی صلاحیت قضایی دارد که پس از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه در آن کشور به وقوع پیوندد، مگر آنکه کشور مزبور بر اساس بند ۳ ماده ۱۲ صلاحیت دادگاه را پذیرفته باشد.

ماده ۱۲

شروط لازم برای اعمال صلاحیت قضائی

- ۱) بدین وسیله کشوری که به عضویت این معاهده درمی‌آید، صلاحیت قضائی دادگاه را نسبت به جرائم مندرج در ماده ۵ می‌پذیرد.
- ۲) دادگاه ممکن است در صورت تحقق شرایط مندرج در ماده ۱۳، بند (الف) یا (ج)، اگر یک یا چند تا از کشورهای ذیل عضو این معاهده باشند یا صلاحیت قضائی دادگاه را بر طبق بند ۳ پذیرفته باشند، صلاحیت قضایی خود را اعمال نماید:
 - الف) اگر عمل مورد نظر در قلمرو آن کشور، و یا اگر جرم مربوطه بر روی کشتی یا هواپیمای کشوری که کشتی یا هواپیما در آن به ثبت رسیده است صورت بگیرد؛
 - ب) کشوری که شخص متهم به ارتکاب جرم، تبعه آن باشد.
- ۳) در صورتیکه رضایت کشوری که عضو این معاهده نیست بر طبق بند ۲ مورد نیاز باشد، کشور مزبور می‌تواند با تحویل اظهارنامه خود به مسئول ثبت دادگاه، صلاحیت قضائی دادگاه نسبت به جرم مورد بحث را قبول نماید. کشور قبول کننده باید بدون هیچ‌گونه تأخیر یا استثناء، بر طبق مفاد بخش ۹، با دادگاه همکاری نماید.

ماده ۱۳

اعمال صلاحیت قضائی

- دادگاه می‌تواند بر طبق مقررات این معاهده نسبت به جرائم مندرج در ماده ۵ صلاحیت قضائی خود را اعمال نماید اگر:
- الف) در شرایطی که یک یا چند مورد از جنایاتی که به نظر می‌آید صورت گرفته است، توسط کشور عضو مطابق با ماده ۱۴ به دادستان ارجاع شود؛
 - ب) در شرایطی که یک یا چند مورد از این جنایاتی که به نظر می‌آید صورت گرفته است، توسط شورای امنیت براساس صلاحیت‌های داده شده فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به دادستان ارجاع شده باشند؛ یا
 - ج) اگر دادستان در مورد چنین جنایتی بر طبق ماده ۱۵ شروع به تحقیقات کرده باشد.

ارجاع یک مورد به وسیله کشور عضو

- ۱) کشور عضو می‌تواند موردی را به دادستان ارجاع نماید که در آن به نظر می‌رسد یک یا چند جنایت در حوزه صلاحیت دادگاه واقع شده باشد، و از دادستان تقاضا نماید به منظور تشخیص اینکه آیا یک یا چند شخص بخصوص باید به ارتکاب این جنایات متهم شوند، تحقیق کند.
- ۲) موردی که به دادگاه ارجاع می‌شود باید تا حد امکان شرایط مربوطه را تشریح نماید و تا آنجا که در دسترس کشور ارجاع کننده دعوی باشد مدارک و شواهد مؤید ادعا را در پرونده ضمیمه نماید.

دادستان

- ۱) دادستان می‌تواند بر اساس اطلاعات موجود در باره جنایاتی که در محدوده صلاحیت قضائی دادگاه است، به صلاحدید خود شروع به انجام تحقیقات نماید.
- ۲) دادستان باید میزان اعتبار اطلاعات دریافت شده را تجزیه و تحلیل نماید. بدین منظور، وی می‌تواند از دولت‌ها، نهادهای سازمان ملل متحد، سازمان‌های میان دولتی یا غیر دولتی، یا دیگر منابع مطمئن که وی مناسب بداند، درخواست اطلاعات بیشتر نماید، و می‌تواند در مقر دادگاه، شهادت کتبی یا شفاهی دریافت کند.
- ۳) اگر دادستان به این نتیجه برسد که دلایل موجهی برای ادامه تحقیقات وجود دارد، باید درخواست اجازه انجام تحقیقات را به همراه هر مدرکی که در تأیید این ادعا جمع‌آوری شده، به دادگاه مقدماتی ارسال نماید. قربانیان می‌توانند بر طبق قواعد دادرسی و ادله اثبات دعوی، در مرحله دادگاه مقدماتی، وکیل مدافع داشته باشند.
- ۴) در صورتیکه دادگاه مقدماتی پس از بررسی درخواست و مدارک اثبات دعوی، به این نتیجه برسد که اساس معقولی برای ادامه تحقیقات وجود دارد و دعوی فوق در حوزه صلاحیت دادگاه می‌باشد، می‌تواند اجازه آغاز تحقیقات را صادر کند، بدون آنکه تحقیقات فوق تأثیری بر تصمیمات بعدی دادگاه مبنی بر نحوه دادرسی و قابلیت طرح دعوی داشته باشد.
- ۵) امتناع دادگاه مقدماتی از صدور اجازه تحقیقات نباید مانع از درخواست مجدد دادستان در مراحل بعد برای انجام تحقیقات بر پایه کشف حقایق یا شواهد جدید در باره همان دعوی شود.
- ۶) اگر پس از بازجوئی‌های مقدماتی که در بندهای ۱ و ۲ به آن اشاره شد، دادستان به این نتیجه برسد که اطلاعات ارائه شده، اساس معقولی برای انجام تحقیقات فراهم نمی‌آورد، باید افراد فراهم آورنده اطلاعات را از این موضوع مطلع نماید. این موضوع نباید مانع از ارائه شواهد بیشتر به دادستان در باره همان دعوی، به دلیل کشف حقایق یا شواهد جدید شود.

تعویق بازجوئی یا دادرسی

بر اساس این معاهده شورای امنیت می‌تواند با تصویب قطعنامه‌ای بر طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد از دادگاه درخواست نماید که هیچ‌گونه تحقیقات یا دادرسی برای مدت ۱۲ ماه آغاز نشود و یا ادامه نیابد؛ این درخواست می‌تواند با شرایط مشابه توسط شورا تکرار گردد.

موضوعات مربوط به قابلیت طرح دعوی

(۱) با توجه به بند ۱۰ مقدمه و ماده ۱، دادگاه می‌تواند تعیین نماید که در صورت وجود شرایط ذیل دعوی در دادگاه قابل طرح نیست:

(الف) پرونده توسط کشوری که نسبت به آن صلاحیت قضایی دارد درحال تحقیق یا دادرسی است، مگر آنکه کشور فوق حقیقتاً مایل یا قادر به انجام تحقیقات یا دادرسی نباشد؛

(ب) تحقیقات پرونده توسط کشوری که نسبت به دعوی مزبور، صلاحیت قضائی دارد، انجام شده و این کشور تصمیم گرفته شخص مورد نظر را تحت پیگرد قرار ندهد، مگر آنکه این تصمیم حقیقتاً ناشی از عدم تمایل یا عدم توانائی کشور اقامه کننده دعوی باشد.

(ج) شخص تحت پیگرد قبلاً برای عملی که موضوع شکایت است، محاکمه گردیده، و محاکمه وی توسط دادگاه هم به موجب ماده ۲۰، بند ۳ مجاز نمی‌باشد.

(د) موضوع از اهمیت لازم برخوردار نیست تا انجام اقدامات بیشتر را توجیه نماید.

(۲) برای تشخیص عدم تمایل در یک دعوی بخصوص، دادگاه باید با توجه به اصول تشریفات حقوقی که توسط حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده، تصمیم بگیرد آیا یک یا چند مورد از موارد زیر در باره دعوی مطروحه صدق پیدا می‌کند یا خیر:

(الف) مراحل دادرسی در حال انجام بوده یا هست، یا تصمیمی در سطح ملی به منظور محافظت شخص مورد نظر از مسئولیت کیفری در ارتباط با جنایاتی که در حیطه صلاحیت دادگاه است که در ماده ۵ از آنها نام برده شد، اتخاذ گردیده است؛

(ب) تأخیر غیر قابل توجیهی در مراحل دادرسی وجود داشته که با توجه به شرایط موجود، با هدف اجرای عدالت در باره فرد مورد نظر، همخوانی و مطابقت ندارد؛

(ج) مراحل دادرسی به طور مستقل یا بدون جانبداری انجام نشده یا نمی‌شود، و این مراحل به گونه‌ای اجرا شده یا می‌شوند که با توجه به شرایط موجود، با هدف اجرای عدالت در باره شخص مورد نظر، منافات دارد؛

(۳) به منظور تشخیص عدم توانائی در یک دعوی بخصوص، دادگاه باید بررسی کند که آیا کشور مورد بحث به علت از هم پاشی کلی یا بخش عمده دستگاه قضایی آن کشور، یا عدم موجودیت دستگاه قضائی ملی‌اش، قادر به دستگیری متهم، یا به دست آوردن مدارک و شهود لازم و یا اجرای مراحل دادرسی می‌باشد یاخیر.

آراء مقدماتی در مورد قابلیت طرح دعوی

- ۱) هرگاه دعوی به موجب مفاد ماده ۱۳(الف) به دادگاه ارجاع گردد و دادستان تشخیص دهد که اساس معقولی برای شروع تحقیقات وجود دارد، یا دادستان بر اساس مواد ۱۳(ج) و ۱۵ تحقیقاتی را آغاز نماید، دادستان باید تمام کشورهای عضو و همچنین با توجه به اطلاعات موجود، تمام کشورهایی که معمولاً بر روی جرائم مورد نظر، احراز صلاحیت قضائی می کنند را از موضوع مطلع نماید. دادستان می تواند این کشورها را به طور محرمانه از جریان مطلع نماید، و در صورتی که دادستان برای محافظت افراد، پیشگیری از تخریب شواهد و مدارک، یا جلوگیری از فرار اشخاص لازم بداند می تواند میزان اطلاعاتی که در اختیار کشورها قرار می دهد را محدود نماید.
- ۲) کشور می تواند ظرف یک ماه از دریافت ابلاغیه، دادگاه را مطلع نماید که اتباع خود یا دیگر افرادی که در قلمرو قضائی آن کشور قرار دارند و متهم به ارتکاب جنایات مندرج در ماده ۵ و اطلاعات ارائه شده در ابلاغیه دادگاه به کشورها می باشد را مورد بازجوئی قرار داده یا در حال بازجوئی از آنها می باشد. در صورت تقاضای کشور مزبور، دادستان باید تحقیقات در باره افراد یاد شده را به تعویق بیندازد مگر آنکه دادگاه مقدماتی بنا به درخواست دادستان اجازه صدور تحقیقات را بدهد.
- ۳) دادستان می تواند شش ماه پس از تاریخ درخواست تعویق تحقیقات، یا هر زمان دیگری که بنا بر عدم تمایل یا عدم توانائی واقعی کشور برای انجام تحقیقات، تغییر قابل ملاحظه ای در شرایط آن کشور به وجود بیاید، در مورد تعویق تحقیقات تجدید نظر کند.
- ۴) کشور ذریبیط یا دادستان می توانند بر طبق ماده ۸۲ علیه حکم دادگاه مقدماتی در دادگاه تجدیدنظر درخواست تجدیدنظر کنند. تجدید نظر می تواند سریعاً مورد بررسی قرار گیرد.
- ۵) هرگاه دادستان با توجه به بند ۲ انجام تحقیقات را به تعویق اندازد، می تواند از کشور مربوطه درخواست کند وی را مرتباً از جریان پیشرفت تحقیقات آن پرونده و جریان دادرسی های بعدی مطلع نماید. کشورهای عضو باید بدون تأخیر غیر موجه، به چنین درخواست هائی پاسخ دهند.
- ۶) اگر پرونده ای نزد دادگاه مقدماتی بلا تکلیف باقی مانده باشد و یا هر موقع که دادستان بر اساس این ماده تحقیقات را به بعد موکول کرده باشد، دادستان می تواند بنا به دلایل استثنائی برای انجام تحقیقات لازم به منظور حفظ شواهد، یعنی هنگامی که فرصتی استثنائی برای کسب یک مدرک مهم یا خطری جدی برای از دست دادن چنین مدرکی در آینده وجود دارد، از دادگاه مقدماتی کسب اجازه نماید.
- ۷) کشوری که رأی صادره توسط دادگاه مقدماتی را با توجه به این ماده مورد اعتراض قرار داده است می تواند نسبت به قابلیت طرح پرونده نیز بر اساس ماده ۱۹ و به دلیل وجود دیگر واقعیتهای قابل توجه یا وقوع تغییرات مهم در شرایط پرونده، اعتراض کند.

موارد اعتراض به صلاحیت قضایی دادگاه یا قابلیت طرح پرونده

- (۱) دادگاه باید حوزه صلاحیت قضایی خود در ارتباط با هر پرونده‌ای که به آن ارجاع می‌شود، را ارزیابی کند. دادگاه می‌تواند بنا به خواست خود، قابلیت طرح پرونده را بر طبق ماده ۱۷ تعیین نماید.
- (۲) اعتراض نسبت به قابلیت طرح یک دعوی به موجب دلایل مندرج در ماده ۱۷ یا اعتراض نسبت به صلاحیت قضایی دادگاه می‌تواند به وسیله هر یک از مراجع زیر مطرح شود:
 - الف) شخص متهم یا فردی که بر اساس ماده ۵۸ برای وی حکم جلب یا احضاریه صادر گردیده است؛
 - ب) کشوری که نسبت به پرونده صلاحیت قضائی دارد، به این دلیل که این کشور پرونده فوق را تحقیق یا دادرسی می‌کند و یا کرده است؛ یا
 - ج) کشوری که پذیرش صلاحیت قضایی دادگاه نسبت به آن با توجه به ماده ۱۲ الزامی باشد.
- (۳) دادستان می‌تواند از دادگاه در مورد صلاحیت قضائی یا قابلیت طرح دعوی درخواست حکم کند. در جریان دادرسی‌های مربوط به صلاحیت قضائی یا قابلیت طرح دعوی، آنانی که این مورد را با توجه به ماده ۱۳ ارجاع کرده‌اند و هم قربانیان مجاز می‌باشند مشاهدات خود را به دادگاه ارائه کنند.
- (۴) قابلیت طرح یک پرونده یا صلاحیت دادگاه می‌تواند فقط یک بار توسط یک شخص یا دولتی که در بند ۲ به آن اشاره شد، مورد اعتراض قرار بگیرد. این اعتراض باید پیش از آغاز محاکمه و یا در شروع آن صورت بگیرد. در شرایط استثنائی دادگاه ممکن است اجازه دهد که چنین اعتراضی بیش از یک بار مطرح گردد و یا زمان طرح آن دیرتر از شروع محاکمه باشد. اعتراض نسبت به قابلیت طرح دعوی، چه در شروع محاکمه باشد، و چه در صورت اجازه دادگاه متعاقب آن باشد فقط می‌تواند بر اساس ماده ۱۷، بند ۱ (ج) صورت بگیرد.
- (۵) کشوری که در بند ۲ (ب) و (ج) به آن اشاره شد، باید در اولین فرصت ممکن اعتراض خود را ارائه دهد.
- (۶) اعتراض نسبت به قابلیت طرح پرونده یا جرح نسبت به صلاحیت دادگاه اگر پیش از تأیید اتهامات صورت بگیرد باید به دادگاه مقدماتی ارجاع شود. پس از تأیید اتهامات، اینگونه اعتراضات باید به دادگاه بدوی ارجاع شوند. می‌توان نسبت به تصمیمات راجع به صلاحیت دادگاه یا قابلیت طرح دعوی در دادگاه تجدیدنظر، بر طبق ماده ۸۲ تقاضای تجدیدنظر نمود.
- (۷) اگر اعتراضی توسط یکی از کشورهای مذکور در بند ۲ (ب) یا (ج) صورت گیرد، دادستان باید تا زمانی که دادگاه بر طبق ماده ۱۷ تصمیم بگیرد، تحقیقات را به حال تعلیق درآورد.
- (۸) اگر موضوع هنوز در دادگاه در دست رسیدگی است، دادستان می‌تواند در موارد ذیل از دادگاه کسب اجازه نماید:
 - الف) برای ادامه مراحل تحقیقی لازم از قبیل مواردی که در بند ۶ ماده ۱۸ ذکر گردید؛
 - ب) گرفتن اظهارنامه یا شهادتنامه از شهود یا تکمیل و بررسی مجموعه‌ای از شواهد که انجام آن پیش از اعتراض آغاز شده است؛ و
 - ج) در همکاری با کشورهای ذیربط، برای پیشگیری از فرار اشخاصی که دادستان قبلاً بر طبق ماده ۵۸ برای آنان درخواست حکم جلب نموده است.

- ۹) دادن اعتراض نباید بر روی اعتبار هر اقدامی که توسط دادستان انجام شده و یا بر روی هر حکم یا قراری که پیش از ارائه اعتراض توسط دادگاه صادر شده، تأثیر بگذارد.
- ۱۰) در صورتیکه دادگاه تصمیم بگیرد که پرونده بر طبق ماده ۱۷ قابل طرح در دادگاه نیست، دادستان می‌تواند در صورت حصول اطمینان کامل از وجود حقایق جدید الظهوری که سبب ابطال دلایل سابق برای عدم قابلیت طرح دعوی بر طبق ماده ۱۷ می‌شود، درخواستی برای تجدید نظر در تصمیم متخذه، ارائه نماید.
- ۱۱) اگر دادستان با توجه به موضوعات یاد شده در ماده ۱۷، تحقیقات را معوق بگذارد، دادستان می‌تواند از کشور مربوطه درخواست نماید تا اطلاعات لازم در باره مراحل دادرسی را در اختیار وی قرار دهد. این اطلاعات بنا به درخواست کشور ذیربط باید محرمانه باقی بماند. اگر دادستان سپس تصمیم به ادامه تحقیقات بگیرد، باید به کشوری که در باره آن تعویق دادرسی صورت گرفته، اطلاع دهد.

ماده ۲۰

عدم محاکمه مضاعف برای ارتکاب جرم واحد

- ۱) به جز مواردی که در این اساسنامه مقرر گردیده، هیچ شخصی نباید در ارتباط با عملی که اساس جرمی بوده که فرد به اتهام ارتکاب آن عمل در دادگاه محکوم و یا تبرئه گردیده است، در برابر این دادگاه محاکمه گردد.
- ۲) هیچ شخصی نباید برای جرائمی که در ماده ۵ به آنها اشاره شد و قبلاً به اتهام ارتکاب آنها توسط دادگاهی محکوم یا تبرئه گردیده است، مجدداً محاکمه گردد.
- ۳) هیچ شخصی که توسط دادگاهی دیگر برای عملی مورد محاکمه قرار گرفته که آن عمل بر طبق مواد ۶، ۷، و ۸ هم جرم تلقی شده، نباید توسط دادگاه برای ارتکاب همان عمل مورد محاکمه قرار گیرد، مگر آنکه مراحل دادرسی در دادگاه دیگر:
- الف) به منظور محافظت از شخص ذیربط در برابر مسئولیت کیفری برای جرائمی که در حیطه قضائی این دادگاه است صورت گرفته باشد؛ یا
- ب) مستقلاً یا بیطرفانه و بر طبق معیارهای تشریفات حقوقی شناخته شده توسط حقوق بین‌الملل اجرا نشده است و به صورتی به اجرا درآمده که با توجه به شرایط موجود، همخوانی و تطابق با قصد اجرای عدالت در مورد فرد ذیربط نداشته است.

ماده ۲۱

قوانین حاکم

- ۱) دادگاه قوانین ذیل را به کار خواهد گرفت:
- الف) در درجه اول، این اساسنامه، عناصر جرم و آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی؛
- ب) در درجه دوم، در صورت مناسبت، معاهدات و اصول و مقررات قابل اعمال حقوق بین‌الملل، از قبیل اصول پذیرفته شده حقوق بین‌الملل در مورد منازعات مسلحانه؛

ج) در صورت عدم امکان به کار گیری قوانین فوق، اصول کلی حقوقی که توسط دادگاه از قوانین ملی دستگاه های حقوقی جهان در موارد مربوطه، استخراج گردیده است، از قبیل قوانین ملی کشورهایی که معمولاً بر روی این نوع جرایم اعمال صلاحیت می کنند، مشروط بر آنکه آن اصول تناقضی با این اساسنامه و با حقوق بین الملل و معیارها و استانداردهای شناخته شده جهانی نداشته باشند.

۲) دادگاه می تواند اصول و مقررات حقوقی را به شکلی که در تصمیمات قبلی اش تعبیر گردیده، به کار بندد.

۳) تطبیق و تفسیر قوانین به موجب این ماده، باید با قوانین شناخته شده بین المللی حقوق بشر مطابقت داشته و بدون هر گونه تبعیض و تعارض منبعت از دلایلی چون جنسیت آنطور که در ماده ۷، بند ۳ تعریف شده، سن، نژاد، رنگ، زبان، مذهب یا عقیده، عقاید سیاسی و غیره، منشاء ملی، قومی یا اجتماعی، ثروت، وضعیت تولد یا امثالهم صورت گیرد.

بخش سوم. اصول کلی حقوق جنائی

ماده ۲۲

قانون کیفری را نمی‌توان عطف به ما سبق نمود

- ۱) هیچ شخصی بر طبق این اساسنامه، از جهت کیفری مسئول نخواهد بود مگر آنکه عمل مورد بحث، در زمان وقوعش جنایتی محسوب شود که در حوزه صلاحیت این دادگاه می‌باشد.
- ۲) جنایت باید محدود تفسیر گردد و نباید با قیاس تعمیم یابد. در صورت ابهام، این تعریف باید در جهت منافع شخصی که در حال بازجوئی یا دادرسی است یا محکومیت قرار دارد تعبیر گردد.
- ۳) این ماده خصوصیات هیچ عملی را که مستقل از این اساسنامه و حقوق بین‌الملل جرم محسوب شده، جرم تلقی نمی‌کند.

ماده ۲۳

عدم مجازات بدون وجود قانون

شخص محکوم توسط این دادگاه فقط بر اساس این اساسنامه مجازات می‌شود.

ماده ۲۴

عدم معطوف کردن قانون به ما سبق

- ۱) هیچ شخصی بر طبق این اساسنامه برای انجام عملی که قبل از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه صورت گرفته باشد، مسئولیت کیفری نخواهد داشت.
- ۲) در صورتی که پیش از زمان صدور حکم نهائی در مورد یک دعوی مطروحه، تغییری در قانون حاکم بر آن رخ دهد، قانونی که بیشتر در جهت حفظ منافع شخص در حال بازجوئی، دادرسی، یا محکومیت باشد تطبیق خواهد شد.

ماده ۲۵

مسئولیت کیفری فردی

- ۱) دادگاه به موجب این اساسنامه نسبت به اشخاص حقیقی صلاحیت قضایی دارد.
- ۲) شخصی که در محدوده صلاحیت قضائی دادگاه مرتکب جنایتی می‌شود، شخصاً مسئول و مشمول مجازات به موجب این اساسنامه خواهد شد.

- (۳) بر طبق این اساسنامه یک شخص برای جرمی که در حوزه صلاحیت قضائی این دادگاه است در صورتی مقصر است و مسئولیت کیفری خواهد داشت که:
- الف) مرتکب چنین جرمی شود، چه شخصاً و چه مشترکاً، با شخص دیگر یا از طریق شخصی دیگر، صرف نظر از اینکه آن فرد دیگر از جهت کیفری مسئول است یا خیر؛
- ب) فرمان، تحریک و تشویق و ترغیب به ارتکاب چنین جرمی که در واقع رخ دهد و یا مبادرت به انجام آن صورت گیرد؛
- ج) به منظور تسهیل ارتکاب چنین جرمی، کمک نماید، مشارکت کند یا در ارتکاب یا در مبادرت به ارتکاب آن، مساعدت نماید، از جمله اسباب ارتکاب جرم را فراهم آورد؛
- د) به هر طریق دیگری به ارتکاب یا مبادرت به ارتکاب چنین جرمی توسط گروهی از افراد که با مقصدی مشترک عمل می‌کنند، مشارکت نماید. این مشارکت باید تعمدی باشد و؛
- ۱- با هدف تحقق بخشیدن به عمل جنایی یا هدف جنائی آن گروه انجام گیرد، و چنین عمل و هدفی با ارتکاب جنایتی صورت گیرد که در حوزه صلاحیت قضائی این دادگاه قرار دارد؛ یا
- ۲- با علم به قصد آن گروه برای ارتکاب به این جنایت انجام شده باشد؛
- ه) در مورد جنایت نسل‌کشی دیگران را به ارتکاب نسل‌کشی مستقیماً و علناً تحریک نماید؛
- و) مبادرت به ارتکاب چنین جنایتی از طریق انجام اقداماتی که گام‌های عمده در راستای تحقق جرم به حساب آید، اما جنایت به علت شرایطی جدا از مقاصد شخص، اتفاق نیافتد. اما، شخصی که از تلاش در جهت ارتکاب جرم دست می‌کشد، یا از تحقق جنایت جلوگیری می‌نماید، در صورتی که به طور کامل و به صورت داوطلبانه این مقاصد جنائی را کنارگذارد، به موجب این اساسنامه مشمول مجازات نخواهد شد.
- (۴) هیچ‌یک از مقررات این اساسنامه که مربوط به مسئولیت کیفری فردی است نباید بر مسئولیتی که دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل دارند، تأثیر بگذارد.

ماده ۲۶

عدم صلاحیت قضائی دادگاه نسبت به افراد کمتر از هجده سال

دادگاه نسبت به اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال داشته باشند، هیچ‌گونه صلاحیت قضائی ندارد.

ماده ۲۷

بی‌اهمیت بودن تصدی مقام رسمی

(۱) این اساسنامه بر همه افراد به طور یکسان و بدون تمایز بر اساس تصدی یک مقام رسمی قابل تطبیق است. خصوصاً تصدی سمت‌های رسمی از قبیل رهبر یک کشور یا دولت، عضو دولت یا پارلمان، نماینده منتخب یا

مقام رسمی دولتی، تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند شخص را از مسئولیت کیفری معاف سازد و نمی‌تواند به خودی خود و فی نفسه مبنائی برای تخفیف مجازات فراهم سازد.

۲) مصونیت‌ها یا مقررات آئین‌نامه‌ای بخصوص که ممکن است بخشی از تصدی یک سمت رسمی براساس قوانین ملی و یا قوانین بین‌المللی را تشکیل دهد، نمی‌تواند مانع اعمال صلاحیت قضایی دادگاه نسبت به چنین شخصی شود.

ماده ۲۸

مسئولیت فرماندهان و دیگر مقامات ارشد

علاوه بر دلایل دیگر برای مسئولیت کیفری در قبال جنایاتی که در قلمرو قضائی این دادگاه قرار دارد: الف) یک فرمانده نظامی یا شخصی که عملاً در مقام یک فرمانده نظامی عمل می‌کند، از جهت کیفری برای جنایاتی که در حوزه صلاحیت دادگاه قرار دارد، چه توسط نیروهای که تحت کنترل و فرماندهی موثر وی قرار دارد و چه توسط نیروهای که تحت اختیار و کنترل وی قرار دارد، و چه، در نتیجه عدم توانائی وی برای اعمال کنترل لازم بر چنین نیروهائی صورت بگیرد، در صورت وجود شرایط ذیل، از جهت کیفری مسئول خواهد بود:

۱- فرمانده نظامی یا شخص مزبور یا می‌دانست و یا با توجه به شرایط آن وقت باید می‌دانست که نیروهای وی مرتکب چنین جنایاتی می‌شوند و یا در آستانه ارتکاب چنین جنایاتی قرار دارند؛ و
۲- فرمانده نظامی یا شخص مزبور کلیه اقدامات لازم و معقول را که در توان او بوده برای جلوگیری یا متوقف ساختن ارتکاب این جرائم، به کار نبسته یا موضوع را برای تحقیق و پیگرد به مقامات ذیصلاح ارجاع ننموده است.

ب) در مورد روابط مافوق و مادون که در بند الف) شرح داده نشده، مقام ارشد از نظر کیفری برای جنایاتی که در قلمرو قضائی این دادگاه قرار می‌گیرند و توسط افراد زیردست و تسلط وی صورت می‌گیرد، به خاطر عدم توانائی اش در اعمال کنترل صحیح بر زیردستان مسئول خواهد بود اگر:

۱- شخص مافوق از اطلاعاتی که به وضوح دلالت بر آن داشته که زیردستانش در حال ارتکاب اینگونه جنایات هستند یا به زودی مرتکب چنین جنایاتی خواهند شد، مطلع بوده یا اینکه آگاهانه به این اطلاعات اعتنا نکرده است؛
۲- جنایات مربوط به فعالیت‌هائی بوده‌اند که تحت مسئولیت و کنترل مستقیم مقام ارشد قرار داشته‌اند؛ و
۳- شخص مافوق کلیه اقدامات لازم و معقول را که در توان او بوده برای جلوگیری یا متوقف ساختن ارتکاب این جرائم، به کار نبسته یا موضوع را برای تحقیق و پیگرد به مقامات ذیصلاح ارجاع ننموده است.

ماده ۲۹

عدم شمول قاعده مرور زمان

جنایات تحت صلاحیت قضائی دادگاه، شامل هیچ نوع قاعده مرور زمان نمی‌شوند.

عناصر فکری

- (۱) شخص برای جنایاتی که در حوزه صلاحیت این دادگاه است تنها در صورتی از جهت کیفری مسئول و مقصر خواهد بود که با قصد و علم مرتکب عناصر مادی جرم گردد، مگر در مواردی که غیر آن قید شده باشد.
- (۲) برای مقاصد به کار رفته در این ماده، در صورتی شخص قصد انجام عملی را دارد که:
الف) در ارتباط با آن عمل، مقصود شخص، دست زدن به آن عمل باشد؛
ب) در ارتباط با نتیجه آن عمل، مقصود شخص حصول آن نتیجه باشد یا اینکه عمل مورد نظر در جریان عادی وقایع صورت خواهد گرفت.
- (۳) برای مقاصد به کار رفته در این ماده، «علم به موضوع» به معنای آگاهی از وجود شرایط یا از وقوع نتایجی در طی جریان عادی وقایع است. عبارات «مطلع بودن» و «آگاهانه» باید بر طبق این توضیح، تفسیر گردد.

دلایل عدم شمول مسئولیت کیفری

- (۱) علاوه بر دلایل دیگر برای عدم شمول مسئولیت کیفری که در این اساسنامه ذکر گردیده است، شخص از نظر کیفری مسئول نخواهد بود اگر در هنگام ارتکاب عمل:
الف) شخص به بیماری یا نقص ذهنی مبتلاست که توانایی او را برای درک غیر قانونی بودن یا طبیعت عمل وی زائل می‌سازد یا امکان تسلط بر اعمالش به طوری که با الزامات قانونی تطابق داشته باشد را از وی می‌گیرد؛
ب) شخص در یک حالت مستی و تخدیر است که قابلیت وی را برای درک غیر قانونی بودن یا چگونگی عمل وی زائل می‌سازد یا امکان تسلط بر اعمالش به طوریکه با الزامات قانونی تطابق داشته باشد را از وی می‌گیرد، مگر آنکه شخص داوطلبانه و در شرایطی خود را تحت تأثیر مواد سکرآور قرار داده که می‌دانسته یا نسبت به این خطر بی‌اعتنا بوده است که در نتیجه مصرف مسکرات، وی احتمالاً دست به اعمالی خواهد زد که در حوزه صلاحیت این دادگاه، جرم محسوب خواهد شد؛
ج) شخص به طور معقولی در دفاع از خود یا فرد دیگر عمل می‌کند یا، در مورد جنایات جنگی از اموالی دفاع می‌کند که برای بقای خود او یا فرد دیگر یا به انجام رساندن یک مأموریت نظامی، و در مقابل استفاده قریب‌الوقوع و غیر قانونی از زور، حیاتی است، و این دفاع با میزان خطری که شخص یا فرد دیگر یا اموال محافظت شده را تهدید می‌کند، متناسب است. این واقعیت که شخص در یک عملیات دفاعی درگیر شده که در آن از زور استفاده گردیده، به خودی خود دلیلی برای عدم شمول مسئولیت کیفری بر طبق این تبصره نمی‌شود؛
د) عملی که ادعا می‌شود جنایتی است که در حوزه صلاحیت این دادگاه قرار دارد، در اثر فشار ناشی از تهدید مرگ قریب‌الوقوع یا در اثر آسیب‌های جسمانی مداوم یا قریب‌الوقوع علیه آن شخص یا شخص دیگر واقع گردیده و آن شخص هم به جهت اجتناب از این تهدید، به طور معقول و لازم عمل نموده است، به شرط آنکه

شخص قصد نداشته باشد سبب رساندن آسیبی بزرگتر از آنچه که می‌خواهد از آن اجتناب نماید، بشود. چنین تهدیدی ممکن است:

- ۱- از جانب افراد طرف مقابل صورت گیرد؛ یا
 - ۲- در نتیجه شرایط دیگری که خارج از تسلط آن شخص بوده است، حاصل شود.
- (۲) دادگاه قابلیت اعمال دلائل عدم شمول مسئولیت کیفری را در مورد دعوی مطروحه، بر طبق مفاد این اساسنامه تعیین خواهد کرد.
- (۳) در هنگام محاکمه، دادگاه ممکن است دلیل دیگری را به جز آنچه در بند ۱ به آن اشاره شد، برای عدم شمول مسئولیت کیفری در نظر بگیرد که در این صورت چنین دلیلی با توجه به قانون حاکم به شرحی که در ماده ۲۱ بیان گردید، حصول یافته است. قواعد مربوط به ارزیابی چنین دلیلی، در بخش آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی قید خواهد شد.

ماده ۳۲

اشتباه در درک واقعیت یا اشتباه در قانون

- (۱) اشتباه در درک واقعیت تنها در صورتی سبب عدم مسئولیت کیفری خواهد شد که عامل فکری لازم برای ارتکاب جنایت را منتفی کند.
- (۲) اشتباه در قانون از آن جهت که آیا این عمل بخصوص در حوزه صلاحیت دادگاه جنایت محسوب می‌شود یا خیر، نمی‌تواند باعث عدم مسئولیت کیفری گردد. اما اشتباه در قانون در صورتی که عامل فکری لازم برای ارتکاب جنایت را منتفی نماید، یا به طریقی صورت گیرد که در ماده ۳۳ بیان گردیده است، می‌تواند دلیلی برای عدم مسئولیت کیفری گردد.

ماده ۳۳

فرمان‌های مقام ارشد و توصیه قانون

- (۱) این واقعیت که جنایتی که در حوزه صلاحیت دادگاه قرار دارد، متعاقب فرمان دولت یا یک مقام ارشد، چه نظامی و چه غیر نظامی، توسط شخص انجام شده، آن شخص را از مسئولیت کیفری اش مبرا نمی‌سازد، مگر آنکه:
 - الف) شخص قانوناً متعهد به اطاعت از فرمان‌های دولت یا مقام ارشد مزبور باشد؛
 - ب) شخص از غیرقانونی بودن فرمان مربوطه با خبر نبوده است؛ و
 - ج) این فرمان ظاهراً، غیر قانونی نبود.
- (۲) برای مقاصد به کار رفته در این ماده، فرمان به ارتکاب نسل کشی یا جنایت علیه بشریت به وضوح غیر قانونی هستند.